

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه ادبیات عربی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات عرب

# طنز در شعر محمدالماغوط

استاد راهنما:

دکتر مهین حاجی زاده

استاد مشاور:

دکتر عبدالاحد غیبی

پژوهشگر:

مریم محمدزاده

ایران / تبریز

مهر / ۱۳۹۰



Ministry of sciences, Researches, and Technology  
Azarbaijan University of Tarbiyat Moallem

Literature & Humanities Faculty

Arabic Language & Literature Department

*A Thesis Presented to the Department of Arabic Language and Literature in  
Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of  
Science(Arts) Arabic Language Literature in*

## **Satire in poetry of Mohammad Al Maghoot**

*Supervisor*

*Mahin Hajizadeh ( Ph.D ] )*

*Advisor*

*Abdolahad Ghaibi (.Ph.D)*

:By

**Maryam mohammadzadeh**

*Septamber/2011*

*Tabriz / Iran*

تقدیم به

سراجت مقدس امام منتظر حضرت صاحب الزمان (عج)

تقدیم به پدر و مادر دلسوزم و برادران بزرگوار و خواهران عزیزم

و همه دوستانی که به نحوی در این راه یاریم کردند.

## تقدیر و قدردانی

اکنون که به لطف خداوند متعال نگارش این رساله به پایان آمده است به پاس قدردانی لازم می دانم که از ارشادات و راهنمایی های دلسوزانه و مشفقانه استاد گرامی ام سرکار خانم دکتر مهین حاجی زاده که در طول انجام این پژوهش لطف و عنایات ایشان همواره شامل حال اینجانب گردیده ، نهایت تشکر را به عمل می آورم. نیز از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر عبدالاحد غیبی که با راهنمایی و ارشادات خود اینجانب را در مسیر انجام پژوهش هدایت فرمودند صادقانه قدردانی و سپاسگزاری می کنم. همچنین بر خود واجب می دانم از تمامی اساتید گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان جناب آقای دکتر ولیزاده، دکتر موسوی، دکتر قهرمانی، دکتر مقدم و دکتر اسلامی که طی این مدت تحصیلی از محضر این بزرگواران بهره ها برده ام، تقدیر و سپاس به عمل بیاورم. از خانواده بزرگوام که دلسوزانه و با صبر و تشویق اینجانب را مورد عنایت خود قرار دادند تقدیر و قدردانی می کنم . همچنین از زحمات بی شائبه معلم گرامی و دلسوزم سرکار خانم پروین مکشوف که در تمام دوران تحصیلی ام پیوسته از راهنمایی های ایشان بهره مند شدم، بی نهایت سپاسگزارم و نیز از دوست عزیزم خانم پروین فرهادی که دلسوزانه اینجانب را مورد عنایت خ و د قرار دادند، صمیمانه قدردانی می کنم. از خداوند متعال آرزوی سلامتی و و توفیق در تمام امور زندگی برای این عزیزان را دارم.

مریم محمدزاده

۱۳۹۰/۷/۱۵

مقدمه..... ۱

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱-۱ مقدمه ای در باب طنز..... ۵

۱-۱-۱ طنز در لغت..... ۵

۱-۱-۲ طنز در اصطلاح ادبی..... ۵

۲-۱ اصطلاحات رایج در باب طنز..... ۶

۱-۲-۱ هجو و هزل..... ۶

۲-۲-۱ الضحک..... ۸

۳-۲-۱ فکاهه..... ۹

۴-۲-۱ حماقه..... ۱۱

۵-۲-۱ نادره..... ۱۲

۶-۲-۱ کنایه..... ۱۲

۷-۲-۱ تهکم..... ۱۳

۸-۲-۱ اللغز..... ۱۴

۹-۲-۱ توریه..... ۱۵

- ۱۶ ..... ۱-۴-۱۰ کمدی.....
- ۱۶ ..... ۱-۲-۱۱ لطیفه.....
- ۱۷ ..... ۱-۴-۱۶ دعا به یا بذله.....
- ۱۷ ..... ۱-۲-۱۲ نکته.....
- ۱۸ ..... ۱-۳-۳ پیشینه طنز.....
- ۱۹ ..... ۱-۳-۱ طنز در عصر جاهلی.....
- ۲۰ ..... ۱-۳-۲ طنز در صدر اسلام.....
- ۲۱ ..... ۱-۳-۳ طنز در عصر اموی.....
- ۲۲ ..... ۱-۳-۴ طنز در عصر عباسی.....
- ۲۳ ..... ۱-۳-۵ طنز در عصر انحطاط.....

### فصل دوم: طنز در ادبیات معاصر عربی

- ۲۶ ..... ۲-۱-۱ مقدمه ای در باب طنز در ادبیات معاصر عربی.....
- ۲۶ ..... ۲-۱-۱-۱ طنز در ادبیات غرب.....
- ۲۸ ..... ۲-۱-۲ طنز در ادبیات معاصر عربی.....
- ۳۲ ..... ۲-۲ ابزار طنز در ادبیات معاصر عربی.....
- ۳۴ ..... ۲-۳ انواع طنز در ادبیات معاصر عربی.....
- ۳۵ ..... ۲-۴ ویژگی طنز در ادبیات معاصر عربی.....

۳۷..... ۵-۲ موضوع طنزدر ادبیات معاصر عربی

۳۹..... ۶-۲ هدف طنزدر ادبیات معاصر عربی

### فصل سوم: زندگی نامه و آثار محمد الماغوط

۴۳..... ۱-۳ تولد و مشخصات

۴۶..... ۲-۳ شخصیت و خصوصیت اخلاقی ماغوط

۴۷..... ۳-۳ خانواده ماغوط

۵۰..... ۴-۳ تحصیلات

۵۰..... ۵-۳ فعالیت سیاسی و فرهنگی ماغوط

۵۴..... ۶-۳ آثار محمد الماغوط

۵۶..... ۷-۳ جوایز ادبی ماغوط

۵۷..... ۸-۳ سخن دیگران در مورد محمد الماغوط

### فصل چهارم: بررسی اسلوب و ویژگی شعری محمد الماغوط

۶۱..... ۱-۴ ویژگی کلی شعر ماغوط

۶۴..... ۱-۱-۴ عدم ضعف در اشعار

۶۴..... ۲-۱-۴ استفاده از الفاظ زیبا و قابل فهم

۶۵..... ۳-۱-۴ تجلی آیات قرآن در اشعارش

۶۶..... ۴-۱-۴ ایجاز و خلاصه گویی

۶۶..... ۵-۱-۴ کاربرد ندا

۶۷..... ۶-۱-۴ هماهنگی بین واژه ها



- ۶۷.....تکرار کلمات ۷-۱-۴
- ۶۸.....تضاد و دوگانگی ۸-۱-۴
- ۶۹.....ذکر نام اشخاص ۹-۱-۴
- ۶۹.....ذکر نام شهرها و کشورها ۱۰-۱-۴
- ۷۰.....رنگ ها ۱۱-۱-۴
- ۷۰.....ایهام ۱۲-۱-۴
- ۷۱.....اغراق و مبالغه ۱۳-۱-۴
- ۷۲.....رمزگرایی ۱۴-۱-۴
- ۷۲.....محاوره و گفتگو ۱۵-۱-۴
- ۷۳.....خود استهزایی ۱۶-۱-۴
- ۷۳.....تجاهل ۱۷-۱-۴
- ۷۵.....تقادی ۱۸-۱-۴
- ۷۵.....تشبیه ۱۹-۱-۴
- ۷۶.....استفهام ۲۰-۱-۴
- ۷۷.....مغالطه به شیوه فیلسوفان ۲۱-۱-۴
- ۷۷.....خلق تصاویر نمایشی ۲۲-۱-۴
- ۷۸.....کنایه ۲۳-۱-۴
- ۷۸.....مراعات النظر ۲۴-۱-۴
- ۷۹.....استفاده از ادات حصر ۲۵-۱-۴

۷۹ ..... ۲۶-۱-۴ توصیف

۸۰ ..... ۲۷-۱-۴ قصه گویی

### فصل پنجم: طنز در شعر محمدالماغوط

۸۲ ..... ۱-۵ عوامل نبوغ محمدالماغوط در طنز

۸۲ ..... ۱-۱-۵ عوامل ارثی و ذاتی

۸۲ ..... ۲-۱-۵ عامل جامعه و محیط

۸۳ ..... ۳-۱-۵ محیط شاعرانه

۸۴ ..... ۴-۱-۵ طبیعت خاص شخصیتی

۸۴ ..... ۵-۱-۵ فقر و گرسنگی

۸۵ ..... ۲-۵ مضامین طنز در اشعار محمدالماغوط

۸۵ ..... ۱-۲-۵ مضامین سیاسی طنز

۸۵ ..... ۱-۱-۲-۵ آزادی

۸۹ ..... ۲-۱-۲-۵ حوادث سیاسی

۹۰ ..... ۳-۱-۲-۵ لبنان

۹۲ ..... ۴-۱-۲-۵ فلسطین

۹۵ ..... ۵-۱-۲-۵ تحقیر و هجو حاکمان مستبد

۹۸ ..... ۶-۱-۲-۵ خفقان سیاسی

۱۰۴ ..... ۷-۱-۲-۵ دخالت اجانب

۱۰۶ ..... ۸-۱-۲-۵ خیانت

- ۱۰۸.....۹-۱-۲-۵ اتحاد عرب ها
- ۱۰۹.....۱۰-۱-۲-۵ هشدار به بیداری مردم
- ۱۰۹.....۱۱-۱-۲-۵ انقلاب های عربی
- ۱۱۰.....۱۲-۱-۲-۵ تصویر هرج و مرج در کشور
- ۱۱۱.....۱۳-۱-۲-۵ وطن
- ۱۱۳.....۱۴-۱-۲-۵ زندان
- ۱۱۴.....۲-۲-۵ مضامین اجتماعی طنز
- ۱۱۵.....۱-۲-۲-۵ ظلم
- ۱۱۸.....۲-۲-۲-۵ شکنجه و کشتار
- ۱۱۹.....۳-۲-۲-۵ وضعیت بهداشتی
- ۱۲۰.....۴-۲-۲-۵ فساد اداری
- ۱۲۰.....۵-۲-۲-۵ جهل و عقب ماندگی اعراب
- ۱۲۴.....۳-۲-۵ مضامین فرهنگی طنز
- ۱۲۴.....۱-۳-۲-۵ غرب زدگی
- ۱۲۵.....۴-۲-۵ مضامین اقتصادی طنز
- ۱۲۵.....۱-۴-۲-۵ فساد اقتصادی
- ۱۲۶.....۲-۴-۲-۵ مالیات
- ۱۲۷.....۳-۴-۲-۵ مخارج روزمره
- ۱۲۸.....۴-۴-۲-۵ فقر

- ۱۲۹.....۵-۲-۵ مضامین عاطفی طنز.....
- ۱۲۹.....۱-۵-۲-۵ غربت.....
- ۱۳۱.....۲-۵-۲-۵ یاد ایام کودکی.....
- ۱۳۱.....۳-۵-۲-۵ کثرت رؤیاها.....
- ۱۳۲.....۴-۵-۲-۵ برانگیختن احساسات مردم.....
- ۱۳۲.....۵-۵-۲-۵ ترس.....
- ۱۳۵.....۶-۵-۲-۵ اشک.....
- ۱۳۶.....۷-۵-۲-۵ خود استهزایی.....
- ۱۳۸.....نتیجه گیری.....
- ۱۴۰.....فهرست منابع و مآخذ.....

طنز یکی از صنایع‌های ادبی است که با بیانی شیرین و جذاب، زشتی‌ها و کاستی‌ها را نمایش می‌دهد و مخاطبان خود را با تبسمی معنادار به تفکر برای اصلاح وضع موجود وادار می‌کند. طنز در ادبیات پیشین زبان عربی، معادل فکاهه و هجو بود. اما در ادبیات معاصر عربی طنزی به وجود آمد، که زیر پرده با عنصر خنده، انتقاد کرد. در این میان کشور سوریه از جمله کشورهایی است که از اوضاع نابسامان سیاسی و اج‌تماعی رنج می‌برد و از این رو شاعران در اعتراض به سیاست‌های حاکمان ظالم در این سبک ادبی، طبع آزمایی کردند. یکی از شاعران، محمد احمد عیسی‌الماغوط است که در اشعار خود رنج‌ها و مصائب جهان عرب و اوضاع آن را به تصویر کشیده است و بیشتر طنزهای ماغوط، تلخ است؛ اما به دلیل نگرش وی به مسائل، با دید طنز آلود، شیرینی که بر جای می‌گذارد، مهم است. هدفش، بررسی و تحلیل موشکافانه مسائل فکری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و حتی اقتصادی می‌باشد. مهمترین قضیه‌ای که وی با آن درگیر بود، مربوط به قضایای سیاسی علی‌الخصوص آزادی، مبارزه با حاکمان مستبد و مخالفت با دخالت اجانب است. در کنار این مسائل بعد اجتماعی را نیز در اشعارش فراموش نکرده و از قضایای مربوط به زندان، شکنجه و ظلم نیز غافل نبوده است. ماغوط به دو دلیل عمده از اسلوب ادبی طنز در اشعارش استفاده کرده است: یکی این است که در جامعه‌ای که وی در آن زندگی می‌کرد، خفقان سیاسی حاکم بود و شاعر نمی‌توانست صراحتاً سخنان خود را بیان کند و دلیل دوم این است که طنز بر مخاطب تأثیر فراوانی می‌گذارد.

کلمات کلیدی: شعر معاصر عربی، طنز، محمدالماغوط، مضامین طنز.

## مقدمه

در جوامعی که به جای قانون، زور حکومت می‌کند، فریاد ستم‌دیده‌گان به جایی نمی‌رسد، در چنین جوی است که افشای حقایق جز به طریق غیر مستقیم ام‌کان پذیر نیست. در این هنگام طنز پردازان دست به کار شده و برای روشن کردن افکار عمومی و بیداری مردم تلاش می‌کنند. چرا که با طنز می‌توان به نهان‌ترین زوایا قدم گذاشت و باریک‌اندیشی‌های ذهن را به تماشای مخاطب اهل ذوق سپرد.

کلمه طنز برای جلوگیری از اختلاط طنز با کلمات مشابه از جمله هزل و هجو به وجود آمد. برخی از اصول و مضامین طنز برگرفته از مکتب سمبولیسم می‌باشد، چرا که طنز هم، هم‌چون مکتب سمبولیسم زیر پرده سخن می‌گوید و افشاگری می‌کند.

امروزه در ادبیات جهان، مشهورترین طنزنویسان، رابله، ویکتور هوگو، جوناتان سوئیفت، جرج برنارد شاو و ... می‌باشند.

ادبیات معاصر عربی هم از مقوله طنز بی بهره نمانده و شاعران زیادی در این عرصه فعالیت خود را شروع کردند. محمد الماغوط یکی از شعرایی است که در عرصه طنز پردازای فعالیت داشته است. او شاعر و نمایش‌نامه‌نویس سوری که به (ادیب بی‌خانمان) معروف شده است، با نام کامل محمد احمد عیسی الماغوط در فوریه‌ی ۱۹۳۴ در سوریه دیده به جهان گشود. تمامی صاحب‌نظران عرب، او را پدر شعر سپید و بزرگترین طنزنویس معاصر عرب به شمار می‌آورند. او به صورت کاملاً تصادفی به این هنر دست یافته است. ماغوط همواره در نوشته‌های خود بدبختی‌ها و دردهای جامعه را در قالب طنز به رشته تحریر درآورده و در کنار آن درباره خیانت فرمانروایان ملل عرب، توضیح می‌دهد (صویلج، ۲۰۰۲: ۱۵).

پژوهش حاضر با عنوان "طنز در شعر محمد الماغوط" تلاش نموده است، از خلال بررسی اشعار ماغوط، مضامین برجسته اشعار طنزآمیز وی را شناسایی و مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. برای نیل به هدف مذکور رساله حاضر در پنج فصل تنظیم شده است:

فصل اول، بیان مفاهیم و کلیات طنز، آشنایی با تعریف طنز، پیشینه طنز و طنزپردازی را مورد بررسی قرار داده است. طنز با واژه‌های زیادی مثل هجو، هزل، کنایه و غیره هم معنی شده است؛ ولی تفاوت عمده طنز با دیگر اصطلاحات این است که طنز با هدف اصلاح جامعه صورت می‌گیرد و موارد دیگر با هدف صرف خنده بر زبان جاری می‌شود. نوشته‌های طنزآمیز برای اولین بار توسط شاعران یونانی و رومی آغاز شد؛ از جمله اریستوفان و جوفینال. در ادبیات عربی نیز نابعه ذبیانی و دیگران که در ضمن رساله توضیح مفصل آن آمده است، برای اولین بار، هجویه‌هایی سروده‌اند.

در فصل دوم، به بررسی و تحلیل طنز در ادبیات معاصر عرب، انواع و ویژگی آن برای فرد و جامعه و... به صورت مفصل و دقیق پرداخته شده است. در این فصل نمونه‌هایی از طنز در میان شاعران معاصر هم چون احمد مطر، فدوی طوقان و دیگران آورده شده است.

فصل سوم، به معرفی محمد ماغوط به عنوان یکی از شاعران برجسته معاصر سوریه در قرن اخیر و ذکر آثار و فعالیت‌های وی اختصاص یافته است.

فصل چهارم، سبک و شیوه نویسندگی و شاعری این شاعر بزرگ را بررسی می‌کند.

و در فصل پنجم، که مهمترین فصل رساله و در واقع قسمت اصلی آن با توجه به موضوع رساله (طنز در شعر محمد الماغوط) می‌باشد، به بررسی و تحلیل مضامین طنزهای محمد الماغوط پرداخته شده است. ماغوط اشعارش را در حیطه مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و اقتصادی سروده است؛ که در فصل پایانی مفصل به آن پرداخته خواهد شد. البته در فصل چهارم نیز به نوعی مباحثی در باب طنزهای محمد الماغوط مطرح شده است.

آنچه آثار وی را در نظر نگارنده به عنوان موضوعی برای پالان نامه متمایز می‌کند، واقع بینی، صراحت گویی، شوخ طبعی و نزدیکی کلامش به واقعیت موجود در جوامع شرقی می‌باشد. این شاعر اغلب در شعر خود، درد مشترک تمام جوامع شرقی را فریاد می‌زند. مثلاً از شکاف طبقاتی، فقر، ظلم، عقب ماندگی و آزمندی‌های بشری برای تسلط بر ملت‌ها سخن سر می‌دهد. هم‌چنین خصلتی که شعر ماغوط را متمایز می‌کند، اشارات متعدد او به وقایع تاریخی، داستان‌ها، شاعران و نویسندگان گذشته و معاصر است که همگی نشان از حضور شاعر به عنوان شاهد در روزگار خود است و به نظر نگارنده، می‌تواند عنوان سخنگوی مردمان عصر خود را در اختیار گیرد.

نگارنده در پژوهش حاضر با تکیه بر منابع معتبر کتابخانه‌ای، مجلات و پایگاه‌های اینترنتی از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده است و تلاش کرده تا طنز را به عنوان یک سبک ادبی در اشعار محمد الماغوط مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.



# فصل اول

## مفاهیم و کلیات

۱-۱ مقدمه‌ای در باب طنز

۱ + + ۱ طنز در لغت

۱ + + ۴ طنز در اصطلاح ادبی

۱-۲ اصطلاحات رایج در باب طنز

۱-۳ پیشینه طنز

## ۱-۱ مقدمه‌ای در باب طنز

نکته‌ای که در بحث آغازین مطرح است، این است که، به طور کلی، همه بیان‌ها دو نوع است: جدی و غیر جدی (هزل). همه بیان‌های علمی، اخلاقی، رزمی، بزمی و... در قلمرو سخنان جدی و همه بیان‌های طنز، مزاح، هزل، هجو، لطیفه و فکاهی در قلمرو سخنان غیر جدی (هزلیات) می‌باشد.

طنز همیشه با ادبیات بوده و هست. همان طوری که همه ما می‌دانیم، طنزی که در ادبیات دوران گذشته وجود داشته، با طنزی که عصر حاضر، با آن روبرو است از همه لحاظ تفاوت‌هایی دارد. در گذشته طنز، به معنی مسخره، تحقیر و نادیده گرفتن شخصیت افراد بوده، ولی در عصر حاضر این‌گونه نیست، اهدافی جدای از خنده دارد که مفصلاً در ضمن رساله به آن پرداخته خواهد شد.

## ۱ + + طنز در لغت

طنز واژه‌ای است عربی که معادل آن، در زبان انگلیسی satira است که از ریشه satyros گرفته شده است. satira نام ظرفی پر از میوه‌های متنوع بوده که به یکی از رب‌های انواع زراعت هدیه داده شده بود. پس معنای لغوی طنز، غذای کامل یا آمیخته‌ای از هر چیز است (حلمی عباس، ۲۰۰۷: ۱۲).

طنز در ادبیات عربی، معادل سخریه، استهزاء، سخره و ضحک است (ابن منظور، ۱۸۸۱: ۹) و با هزل، فکاهه، لطیفه، جوک، نقیضه، تجاهل العارف و هجو هم‌جوار است (عکاری الرافی، ۱۹۸۲: ۱۷).

## ۱ + ۴ طنز در اصطلاح ادبی

طنز، یکی از مقوله‌هایی است که در ادبیات عربی به خاطر نیاز به آن، از آن استفاده شده است و تعاریف زیادی در مورد اصطلاح طنز در ادبیات عرب ارائه شده است که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

طنز در اصطلاح ادبی، یک شکل بلاغی و فنی در ابداع ادبی یا روایی است که با پیشرفت زبان انسانی متعدد می‌شود و از نظر زیبایی متون نیز کاملاً لازم و ضروری دانسته می‌شود (عوض، ۲۰۰۰: ۴۱).

به طور کلی در کاربرد اصطلاحی طنز، چنین گفته شده است: «طنز به شکل شعر یا نثر بر زبان طنزگو آورده می‌شود، و معایب و مفاسد و رذایل را بیان می‌کند و نیز می‌تواند باعث ایجاد خنده در مخاطب شود.» (العقاد، د.ت: ۲۶).

## ۱-۲ اصطلاحات رایج در باب طنز

طنز، از کلماتی است که در ادبیات عرب در معنای واحد و مشخصی به کار نرفته است و دلیل آن گستردگی زیر مجموعه‌هایی است که طنز بر آن‌ها اطلاق می‌شود. این انواع و زیر مجموعه‌ها با همدیگر اختلافاتی دارند. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که این زیر مجموعه‌ها به صورت جداگانه ای تعریف شود. این اصطلاحات عبارتند از:

### ۱-۲-۱ هجو<sup>۱</sup> و هزل<sup>۲</sup>

هجو و هزل از آغاز رواج شعر و شاعری در ادبیات منظوم وارد شد. هجو و هزل اگر در نگاه اول جدای از هم به نظر می‌رسد، پس از قدری تعمق، معلوم می‌شود که تفاوت چندانی با هم ندارند.

هجو، مصدر هجا، یهجو و در لغت، شمردن معایب، کسی را نکوهیدن، سرزنش کردن، مزمت کردن، شتم کردن، چیز درهم و مخلوط، فحش و سخن بیهوده (فیروزآبادی، ۲۰۰۸: ۱۳۳۵) و در اصطلاح ادبی، بدگویی از کسی به صورت شعر است به شرط آن که، آن چه بر کسی عیب گرفته شود، واقعاً عیب او باشد. هجو با اغراضی کاملاً فردی، بر زبان آورده می‌شود و از هرگونه آرمان خواهی اجتماعی تهی است (قبروانی، ۱۹۷۲: ۱۷۰).

و هزل نیز، واژه‌ای است عربی، در لغت به معنای بیهودگی، شوخی، مزاح و مسخرگی است. مضمونش رکیک و پر از مطالب خلاف اخلاق و ادب، با هدف تفریح، که جنبه‌های فردی، سیاسی و اجتماعی را در نظر می‌گیرد (ابن منظور، ۱۸۸۱: ۴۵۶۳).

---

1 Lampon

2 Facetiae

واژه‌هایی که از هزل برآمده عبارتند از : هازل، به معنی کسی که سخنان شوخ و گاه تند می گوید. هزال، مبالغه از کسی که این چنین سخن می گوید. هزلیات، جمع هزلیة، لطیفه‌ها، شوخ طبعی‌ها و سخنان خنده‌ناک را گویند (حلبی، ۱۳۶۴: ۲۹).

در علم بدیع از هزل به معنای طنز یاد شده است. ابن رشیق قیروانی، ابوهلال عسگری و تفتازانی گفته‌اند که هزل نزد اهل بدیع - که جزء محسنات معنوی است - هزلی است که از آن اراده جد شود و جاحظ بصری هم می‌گوید: «هزل و مزاح هرگاه برای هدف بدیعه‌سرایبی، باشد، جد است.» (جاحظ البصری، ۱۳۵۷: ۳). هزل گویان، شاعران عامه هستند که کار آن‌ها حيله است. این شاعران دارای نبوغ زیادی بودند که می‌توانستند به راحتی چیزی را در مخاطب پیدا کنند و او را هزل گویند و این شرط ضروری کم‌دی شدن یک اثر است (رافعی: ۲۰۰۰، ۱۰۹؛ ابراهیم، د.ت: ۱۳۲).

هجو و هزل اگر چه در زمان خود، به جا و نافذ باشد، اما چه بسا، به مرور زمان، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد (پلارد، ۱۳۷۸: ۸).

هجو بر دو نوع است: هجو شخصی و ناپسند که معمولاً با دشنام و سخنان رکیک همراه است و با غرض تشویه حساب صورت می‌گیرد. نوع دوم هجو، هجو پسندیده یا نوعی است. بیانی انتقادی و شمردن معایب جامعه، با هدف اصلاح و سازندگی و دور از افترا و دروغ صورت می‌گیرد. هجاگو، مصالح نوعی را در نظر می‌گیرد. اگر به انتقاد تند و شمارش عیب فرد یا گروه یا جماعتی بپردازد، هیچ‌گاه، گام از محدوده حیا و ادب بیرون نمی‌نهد، عفت کلام دارد، چنین هجوی پسندیده است و می‌تواند در قلمرو طنز باشد (محمدی، ۱۳۸۱: ۳۱؛ شمسیا، ۱۳۶۹: ۲۳۴).

ابن بسام که خود هجوگوی ماهری بوده است، در تقسیم‌بندی دیگری، هجاء را بر دو گونه تقسیم کرده است: گونه‌ای را هجاء‌الاشراف نامیده که عبارت است از هجوی که ظاهر آن، دارای دشنام زشت نیست، ولی در معنا بسیار سخت و رنج‌آور است. این نوع هجو در میان تازیان قدیم مشهور و خانمان سوز بوده است. گونه‌ای دیگر هجوی که خانمان سوز نبوده، ولی در آن واژه‌های تند به کار رفته است و عیوب دشمن و کمبودها را می‌گوید (مرصفی، ۱۹۹۲: ۸۱).

دعبل خزاعی، در هجو خود مأمون را در جایگاه افراد پست قرار می‌دهد و می‌گوید که قوم من تو را به بلندی و مقام رساندند:

إِهَىٰ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ هُمُو هُمُو  
قَتَلُوا أَخَاكَ وَ شَرَّفُوكَ بِمَقْعَدِ